



معرفی و بازخوانی اسناد تاریخی استرآباد
اسنادی از دواخانه عمومی استرآباد

دواخانه مسیو پتروس

■ **مریم محمدشفیع**

مسؤول مرکز اسناد تاریخی و تاریخ شفاهی
مؤسسه فرهنگی میرداماد



■ چکیده

یکی از چهره‌های تاریخ پزشکی در سرزمین گرگان (استان گلستان کنونی) شخصی به نام پتروس قاپقران است که از اواخر دوره قاجار تا دوره پهلوی دوم در حوزه داروسازی و داروفروشی، در شهر استرآباد (گرگان بعدی و کنونی) فعالیت داشته و جزو نخستین داروخانه‌داران نوین شهر گرگان و استان گلستان محسوب می‌شود. در این مقاله ضمن ارائه‌ی مقدمه‌ای مختصر در بیان پیشینه‌ی داروخانه‌های نوین در ایران و استرآباد، اسنادی از برگزاری آزمون داروفروشان استرآباد در سال ۱۳۰۴ش ارائه خواهد شد. براساس اسناد مذکور، پتروس قاپقران در این آزمون قبول و مجاز به داروسازی و داروفروشی شده، اما رئیس صحنه استرآباد این آزمون را بی‌اعتبار دانسته و از وزیر معارف درخواست عدم صدور مجوز و برگزاری آزمون مجدد کرده است. در نهایت امر اجازه‌نامه‌ی رسمی پتروس در اسفندماه ۱۳۰۴ صادر و به استرآباد ارسال گردیده است. واژگان کلیدی: داروخانه عمومی استرآباد- پتروس قاپقران- پزشکی در استرآباد- آزمون داروفروشان- معارف و اوقاف استرآباد- اسداله نوری اسفندیاری- صحنه استرآباد- دکتر نادمیرزا شاهرخشاهی

■ مقدمه

داروخانه، دواخانه، یا درآگ‌استور، یک مؤسسه‌ی پزشکی دارویی است که به فروش دارو می‌پردازد. یک داروساز، که به آن مسؤل فنی داروخانه گفته می‌شود، همواره در داروخانه حضور دارد و چگونگی مصرف دارو، عوارض جانبی و موارد دیگر را برای بیمار توضیح می‌دهد.

نخستین داروخانه‌ی نوین در ایران به دست یک داروساز آلمانی به نام «شورین» [Scharin]، که معلّم داروسازی دارالفنون و داروساز مخصوص ناصرالدین‌شاه قاجار بود، در دوره‌ی ناصری و در خیابان ناصرخسرو تهران تأسیس شد. این داروخانه تنها داروخانه‌ای بود که دواهای فرنگی می‌فروخت. مشتریان داروخانه منحصر بودند به اروپائیان مقیم تهران و اعضای سفارتخانه‌ها و مردم عادی نه‌تنها حاضر به استفاده از داروهای این داروخانه نبودند، بلکه گاهی برای آزار و تمسخر به این داروخانه مراجعه می‌کردند. به‌رغم مخالفت مردم با داروهای اروپایی و داروخانه‌ی نوین، تلاش شورین برای بازنگهداشتن داروخانه موجب تشویق دیگران در تأسیس داروخانه به سبک نوین شد. طولی نکشید که این داروسازان احترام و ارزش فوق‌العاده‌ای در میان مردم تهران کسب نمودند و سود سرشاری هم از راه دوافروشی عایدشان گردید.^۱

پس از آن‌که طبابت به سبک جدید در ایران رونق یافت، عده‌ای از داروسازان تحصیلکرده‌ی اروپایی به ایران آمده و به این فن اشتغال ورزیدند. احترام و سود مادی که داروسازان از شغل خود کسب کردند؛ عده‌ای را بر آن داشت که این حرفه را پیش گیرند و چون مقرراتی در بین نبود، هر کس می‌توانست مدتی نزد یکی از اساتید خارجی کار کرده و سپس داروخانه دایر نماید و چون این وضع باعث سوءاستفاده اشخاص ناصالح شده بود، در سال ۱۲۹۸ش، از طرف وزارت معارف نظامنامه‌ی دوافروشی وضع گردید که به موجب آن صاحبان دواخانه‌ها ناگزیر بودند، دارای اجازه‌نامه‌ی رسمی از وزارت معارف یا تصدیق‌نامه‌ی خارجه باشند که به تصویب وزارت معارف رسیده است و اجازه‌ی تأسیس دواخانه را بعد از آن تاریخ منحصر به اشخاصی نمود که از داخل یا خارج دارای تصدیق‌نامه داروسازی می‌باشند. داروسازان غیرمجاز که لااقل ۵ سال سابقه کار داشتند، طبق دستور وزارت معارف ناگزیر بودند امتحان داده، جواز دریافت دارند.^۲

نخستین داروخانه‌ها (دواخانه) در سرزمین گرگان هم‌چون دیگر نقاط ایران، متعلق به طبیبان سنتی بودند. آن‌ها در خانه‌های خود دارای انواع و اقسام داروهای گیاهی بودند که به بیماران تجویز می‌کردند، چنان‌که میرزا احمد حکیم و میرزا علی حکیم در منزل خود واقع در گذر دوشنبه‌ای شهر استرآباد به طبابت می‌پرداختند و همان‌جا دواهای خود را تجویز می‌کردند و ارائه می‌دادند. در داخل بازار کهنه و جدید (نعلبندان) شهر استرآباد، عطاری‌هایی وجود داشت که به مردم دواهای گیاهی می‌فروختند، گویی بعدها با ایجاد مجلس حفظ‌الصحه و تصمیم آن، برخی از این عطاری‌ها، مجبور به گذراندن دوره‌های ویژه شدند. در یکی از اسناد متعلق به سال ۱۳۰۲ش، اسامی دوافروشان استرآباد به شرح زیر اعلام شده است: آقامیرزا محمد، کربلانی کاظم، آقامیرزا اسمعیل، میرزا محمدتقی، آقامیرزا محمدحسین، حاجی عباس، آقامیرزا رفیع، آقامیرزا ابراهیم و آقامیرزا یوسف. مشخص کردن نخستین داروخانه‌های جدید در سطح ایالت استرآباد کار چندان آسانی نیست، اما از دواخانه‌ی صحت در محله نعلبندان استرآباد، داروخانه شیروخورشید در بندرگز، دواخانه محمدیه، دواخانه شفاویه و داروخانه اسلامی به عنوان نخستین داروخانه‌های استرآباد نام برده می‌شود.^۳

رحمت‌اله رجایی در کتاب «پزشکی در سرزمین گرگان» در مورد یکی از این داروخانه‌ها با نام «داروخانه پطروس» چنین نوشته است: «داروخانه پطرس استرآباد، توسط پطرس قاپقران در ابتدای دهه ۴۰ در اواسط خیابان پهلوی (خمینی)، روبه‌روی بازار نعلبندان، بازگشایی و شروع به فعالیت کرد. پطرس بنیان‌گذار این داروخانه، از تفلیس آمده بود و همسر وی آناهید نام داشت. او دارای چهار فرزند بود که فقط دومینیک راه پدر را ادامه داد. بعد از فروش داروخانه‌ی پطرس به دکتر چیت‌ساز، دومینیک داروخانه‌ای در خان‌ببین راه‌اندازی کرد که بعدها به دلیل بعد مسافت، آن را به روستای تقی‌آباد، واقع در شرق گرگان، انتقال داد و پس از مدتی

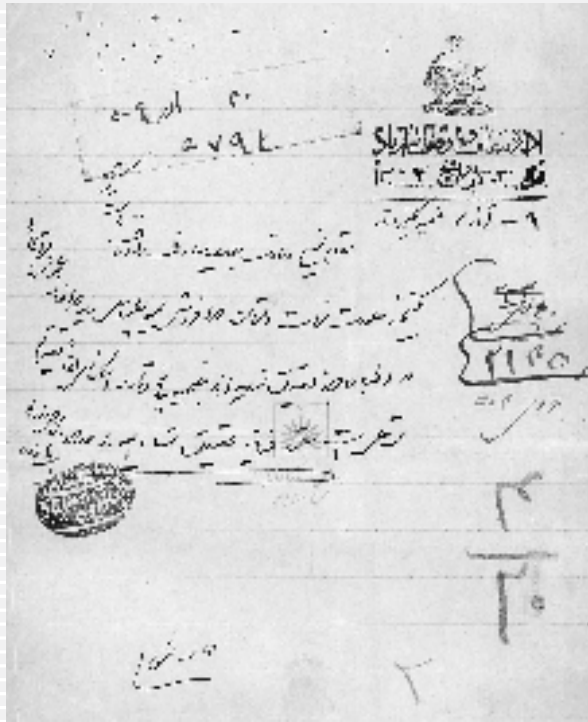
فعالیت، آن هم تعطیل شد. دومینیک دارای سه فرزند بود که از میان آن‌ها فقط هلن قایقران به تحصیل در رشته پرستاری پرداخت و سال‌ها پرستار بیمارستان ۵ آذر گرگان بود^۴. اما با توجه به اسناد موجود، دواخانه‌ی پطروس باید در اواخر دوره‌ی قاجار در شهر استرآباد دایر شده باشد. بنابراین ذکر عبارات «داروخانه پطروس استرآباد، توسط پطروس قایقران در ابتدای دهه ۴۰ در اواسط خیابان پهلوی (خمینی)، روبه‌روی بازار نعلبندان، بازگشایی و شروع به فعالیت کرد» دارای اشکالاتی است؛ نخست آن‌که نام استرآباد تا حدود سال ۱۳۱۰ش و به طور رسمی در ۱۳۱۶ش به گرگان تغییر یافته و در ابتدای دهه‌ی ۴۰ دیگر نام این شهر گرگان بوده است، دوم این‌که با توجه به اسناد موجود، دواخانه پطروس در سال ۱۳۰۴ش در استرآباد دایر بوده است و با توجه به این‌که خیابان پهلوی گرگان در ۱۳۱۱ش تأسیس شده، مسلماً این دواخانه ابتدا در یکی از بازارهای قدیمی استرآباد؛ مانند نعلبندان یا بازار کهنه قرار داشته و پس از تأسیس خیابان پهلوی به این خیابان منتقل شده است. بنابراین یا تاریخ «دهه ۴۰» در کتاب مذکور به اشتباه ثبت شده و یا برخلاف شیوه‌ی ثبت سایر تاریخ‌ها در کتاب مذکور، این تاریخ بر مبنای تقویم هجری قمری (یعنی دهه ۱۳۴۰ق مطابق دهه ۱۳۰۰ش) ثبت شده است.

در این شماره‌ی فصلنامه میرداماد شش برگ سند متعلق به آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، درخصوص مکاتبات اداره معارف و اوقاف استرآباد درخصوص نحوه اخذ امتحان از داروفروشان و نیز صدور مجوز فعالیت پطروس، مدیر داروخانه عمومی استرآباد، معرفی خواهد شد.

براساس اسنادی که ارائه خواهد شد، در آذرماه ۱۳۰۴ برابر تقاضای اسداله نوری اسفندیاری، رئیس وقت معارف استرآباد، از دو نفر طبیب به نام‌های «دکتر سیدکاظم صفوی» و «دکتر محمدخان» دعوت شده، تا به منظور صدور اجازه‌نامه‌ی دوافروشی، از مجموع دوافروشان استرآباد امتحان گرفته شود. لذا در عصر روز ۸ آذر ۱۳۰۴ طی یک جلسه آزمون که در موضوعات اصول مقدماتی شیمی، ساختن دوا، خواندن نسخه‌های اطباق، دانستن قدر شربت ادویه (خصوصاً دواهای سقّی) و سواد فارسی، برگزار شده، ظاهراً از مجموع دوافروشان شرکت کننده در این آزمون، تنها دو نفر حایز نمره‌ی قبولی شده‌اند که یکی از آن‌ها پطروس یسیوف (قایقران) است و هویت شخص دیگر مشخص نیست. برگه‌ی کارنامه‌ی نمرات امتحانی پطروس را دکتر سیدکاظم صفوی و اسداله نوری اسفندیاری (رئیس معارف استرآباد) امضاء و شخصی به نام سلطان مصطفی‌خان که خود را «رئیس صحنه محلات (یا: قسمت) استرآباد» معرفی نموده، نیز این کارنامه را تصدیق کرده است. البته در این کارنامه هیچ امضائی از دکتر محمدخان وجود ندارد. اما دکتر نادر میرزا شاهرخشاهی رئیس صحنه و نماینده فواید عامه استرآباد، که بنا به قول خود در آن زمان حدود شش سال با این سمت در استرآباد بوده (از ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۴ش)، ابتدا در روز ۲۱ دی‌ماه ۱۳۰۴ تلگرافی مبنی بر عدم صحت امتحان دوافروشان در استرآباد، به وزارت معارف ارسال و درخواست کرده است که اجازه‌نامه‌ی صادر نشود. سپس در ۲۳ دی‌ماه ۱۳۰۴ گزارشی مکتوب از شرح ماجرا نوشته که براساس این گزارش، امتحان مذکور به صورت شفاهی و بدون اطلاع دکتر نادر میرزا برگزار شده است. هم‌چنین وی ادعا نموده که دوافروشان استرآباد و دو نفر طبیب ممتحن هیچ معلوماتی از حیث شیمی و فیزیک مقدماتی و دواسازی نداشته‌اند. به همین دلیل درخواست کرده این امتحان تکرار شده، دو نفر طبیب ممتحن سؤالات خود را به صورت مکتوب ارائه دهند و هیئتی با حضور خود نادر میرزا و چند طبیب نظامی و غیره سؤالات و جواب‌ها را بررسی کنند. اما ظاهراً در اسفندماه ۱۳۰۴ اجازه‌نامه‌ها از طرف وزارت معارف صادر و در ۱۸ اسفند همان سال به استرآباد ارسال شده است.

بنا بر مندرجات کارنامه‌ی نمرات امتحانی پطروس، وی در آن زمان به نام پطروس (پترز) یسیوف شهرت داشته، سن او حدود سی‌و‌نه سال بوده (حدوداً متولد ۱۲۶۵ش) و تا آن زمان حدود یازده سال در استرآباد دواخانه داشته (از سال ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۴ش) است. هم‌چنین در آن زمان نام دواخانه‌ی او «دواخانه عمومی استرآباد» بوده است.

از یک سو با توجه به این‌که طبق نظامنامه‌ی وزارت معارف، تنها دوافروشان می‌توانسته‌اند برای دریافت مجوز امتحان دهند که حداقل پنج سال در شغل دوافروشی فعالیت کرده باشند و از سوی دیگر دکتر نادر میرزا به عدم سابقه‌ی پطروس در دوافروشی هیچ اشاره‌ی نکرده، بنابراین اگر بگوئیم مدت ۱۱ سال سابقه که در کارنامه‌ی او ذکر شده درست نباشد، اما حداقل در آن زمان ۵ سال سابقه را داشته است. حال آن‌که در سند مورخ ۱۳۰۲ش که نام دوافروشان استرآباد ذکر شده، نامی از پطروس نیست، در حالی که سند مذکور متعلق به ۲ سال قبل از امتحان دوافروشان و کارنامه‌ی پطروس است. لذا اگر بپذیریم نام پطروس در این فهرست به شکل دیگری ضبط شده، تنها نامی که می‌توان با پطروس مرتبط دانست، نام «میرزا یوسف» است که یوسف (یسف) در واقع نام پدر پطروس بوده و در سال ۱۳۰۴ش شهرت او به شیوه‌ی روسی به صورت «یسفوف» معادل (یوسف‌زاده) ثبت شده است. البته احتمال دیگری هم وجود دارد و آن این‌که دواخانه‌ی عمومی استرآباد متعلق به یسف (یوسف) بوده و پطروس در دوافروشی پدرش کار می‌کرده است. لذا در زمان اقدام برای دریافت مجوز، پطروس که جوان‌تر بوده و بهتر از پدر از عهده‌ی امتحانات برمی‌آمده، در آزمون شرکت کرده و مجوز را به نام خود دریافت نموده است.



سند شماره‌ی یک (۱)

[نشان شیروخورشید]

اداره معارف و اوقاف استرآباد

نمره ۳۳ بتاريخ ۱۳۰۴

۹-آذر ضمیمه یک نسخه ورقه

[مهر مستطیل شکل:]

تاریخ: ۳۰ آذر ۳۰۴

نمره: ۶۷۹۴

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته

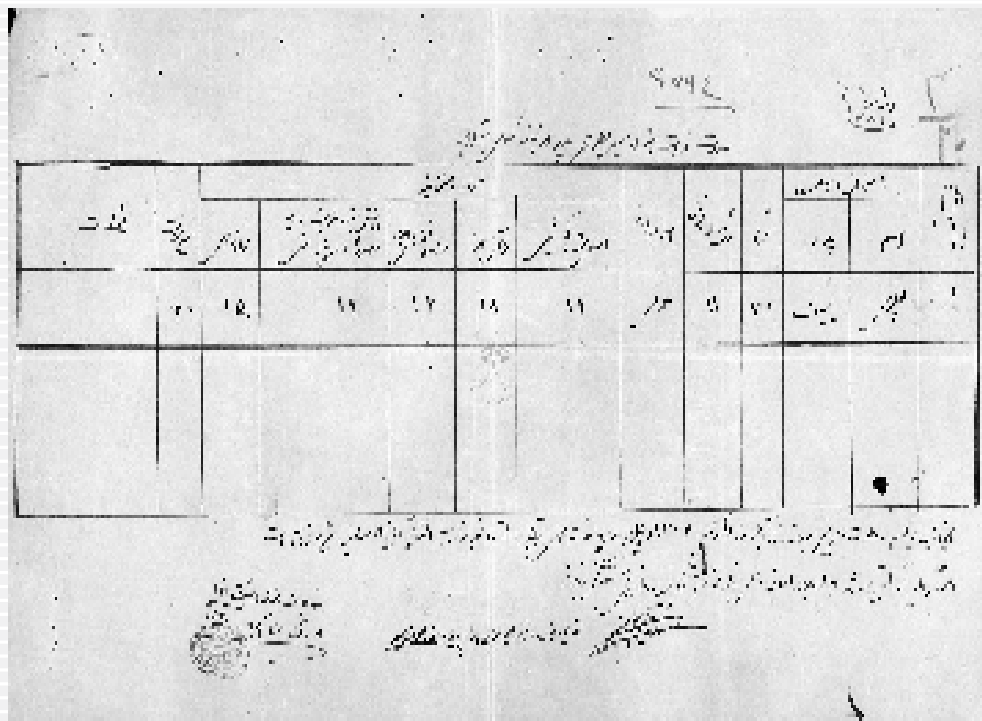
یک نسخه صورت نمرات امتحانی دوافروشی مسیو پطروس مدیر دوآخانه عمومی استرآباد را که اطباء مجاز تصدیق نموده‌اند بضمیمه پنج تومان اسکناس لفاً تقدیم، مستدعی است مقرر فرمایند تصدیق مشارالیه را صادر و ارسال دارند. [امضاء: «اسداله نوری»]

[مهر بیضی شکل: «اداره معارف و اوقاف استرآباد ۱۳۳۵»]

نمره ۲۱۳۵

(صادر شود والسلام)

۳۰۴ دی ۳۰۴



سند شماره‌ی دو (۲)

۶۷۹۴ دوافروشان ۲۰/۴

نمره ۴۵۱

صورت نمرات امتحان مسیو پطروس مدیر دواخانه عمومی استرآباد

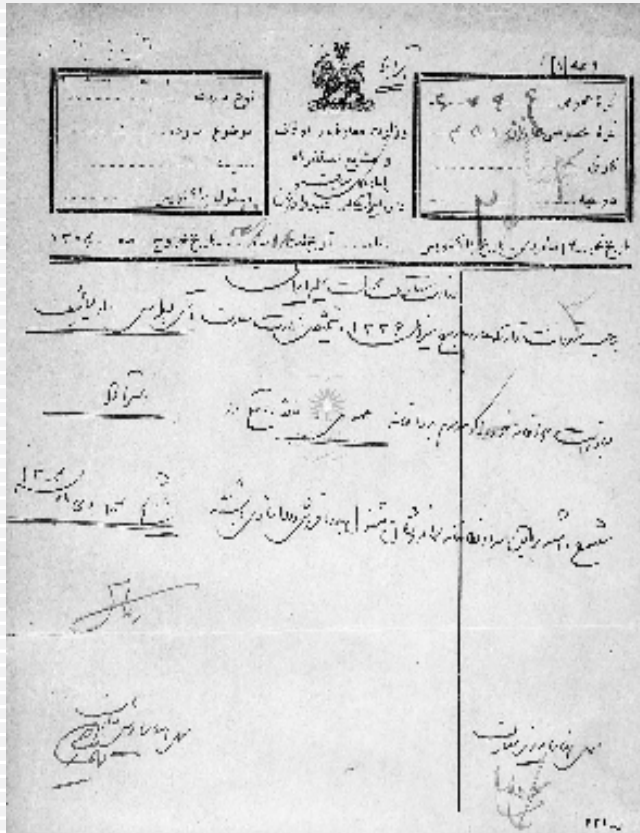
ملاحظات	جمع نمرات	مواد امتحانیه					اسم دواخانه	مدت دوافروشی	سن دواخانه	امتحان دهنده		تاریخ
		سواد فارسی	داستان قدر شریعت ادویه خصوصاً دواهای سغی	خواندن نسخه‌های اطباء	ساختن دوا	اصول مقدماتی شیمی				اسم	پدر	
	۱۰	۱۵	۱۱	۱۱	۱۸	۱۱	عمومی	۱۱	۳۹	پطرس	یسف	۱

اینجانب بموجب دعوت آقای رئیس معارف استرآباد عصر روز ۸ آذر ماه ۱۳۰۴ مسیو پطرس مدیر دواخانه عمومی استرآباد را امتحان نموده، نمرات امتحانیه ایشان مطابق شرح فوق است و مشارالیه شایسته هستند که بصورت راجزه رسمی وزارت مفتخر گردیده و بدوافروشی اشتغال ورزند. [امضاء: «دکتر سید کاظم صفوی»]
تصدیق مینمایم رئیس صحیفه محلات^۱ استرآباد [امضاء: «سلطان مصطفی خان»]

مندرجات این ورقه را تصدیق مینمایم

۸- آذر سنه ۱۳۰۴ - [امضاء: «اسداله نوری»]

[مهر بیضی شکل: «اداره معارف و اوقاف استرآباد ۱۳۳۵»]



سند شماری سه (۳)

استرآباد

۶ نمونه [۹]

نوع مسوده ...
موضوع مسوده ...
ضمیمه ...
مستول پاکتویس ...

[نشان شیروخورشید]
وزارت معارف و اوقاف
و صنایع مستظرفه
اداره کل معارف

نمره عمومی ۶۷۹۴
نمره خصوصی دوافروشان ۴۵۱
کارتن ۴
دوسیه ۲۰

دایره تعلیمات عامه شعبه دوافروشان

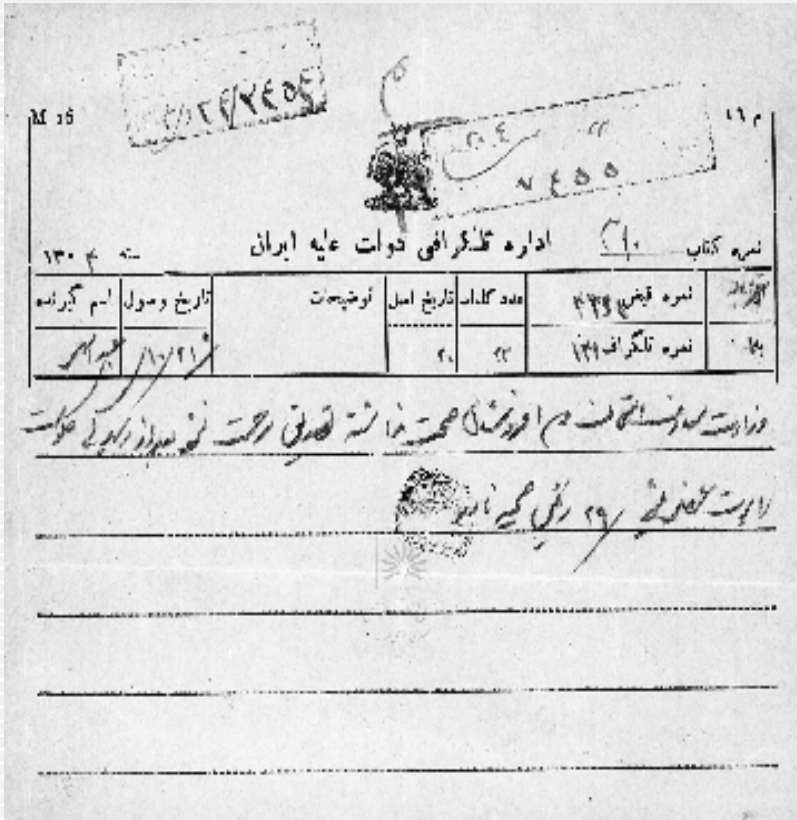
تاریخ تحریر ۱۴ ماه دی تاریخ پاکتویس ... ماه ... تاریخ ثبت ۱۸ ماه اسفند تاریخ خروج ... ماه ۱۳۴۴

وزارت معارف دولت علیه ایران

بموجب مقررات وزارتی صادره در تاریخ میزان ۱۳۳۶ و تشخیص وزارت معارف آقای بطرس ولد ئسیف مجازاست دواخانه خود را که موسوم بدواخانه عمومی و فعلا واقع در استرآباد مفتتح داشته برطبق مواد نظامنامه دوافروشان مشغول بدوافروشی و دواسازی باشند. تاریخ ۱۴ دی ماه سنه ۱۳۴۴

[محل امضاء رئیس دایره تعلیمات: (ناخوانا)...]

[محل امضای رئیس معارف (ناخوانا) ...] [محل امضای وزیر معارف ... (ناخوانا) ...]



سند شماره‌ی چهار (۴)

[مهر مستطیل شکل
 بزرگ:
 (ناخوانا)
]

M16

سنه ... ۱۳۰۴ ...

[مهر مستطیل شکل
 بزرگ:
 تاریخ ۲۲ دی
 ۳۰۴
 ۱۳۰۴]

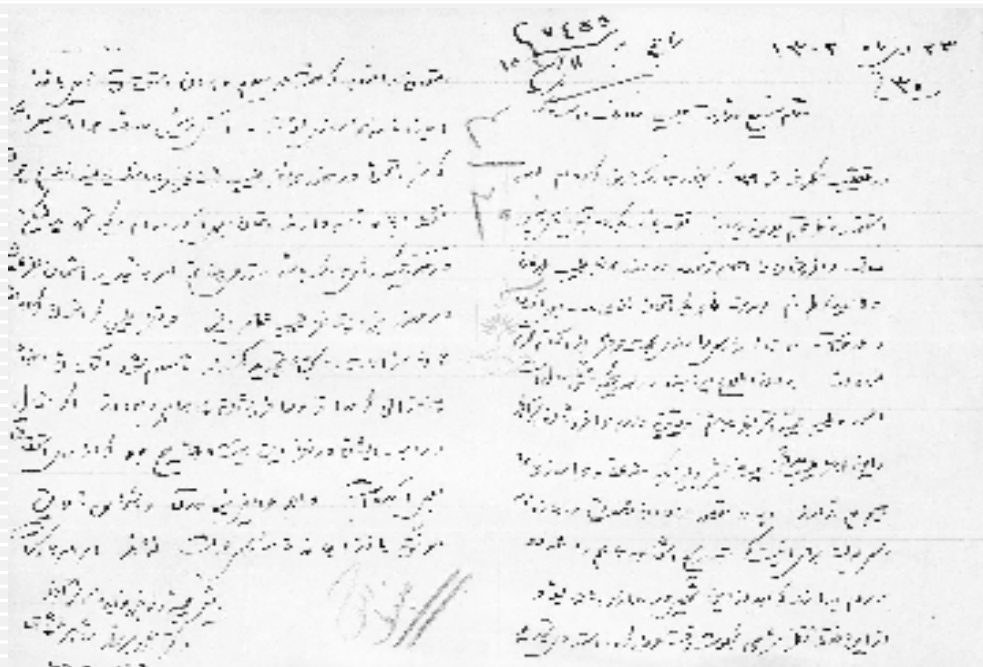
۱۶م

[نشان شیروخورشید]

نمبره کتاب ۳۱۰ اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از استرآباد	نمبره قبضه: ۴۳۶۵	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
به ط	نمبره تلگراف: ۱۴۱	۲۲	۲۰		۱۰/۲۱	عبداللهی

وزارت معارف امتحان دوا فروشان صحت نداشته، تصدیق مرحمت نشود. بعد از رسیدگی حکومت، راپرت عرض میشود / ۲۹ رئیس صحیح نادری [مهر چهارگوش با نشان شیروخورشید در وسط و عبارت: «تلگرافخانه مبارکه طهران»]



سند شماره‌ی پنج (۵)

(راجع به نمره ۱۱.۷۴۵۵ بهمن ۱۳۰۴)

۲۳ دی‌ماه ۱۳۰۴

نمره ۳۰

مقام منبع وزارت جلیله معارف دامت شوکتہ

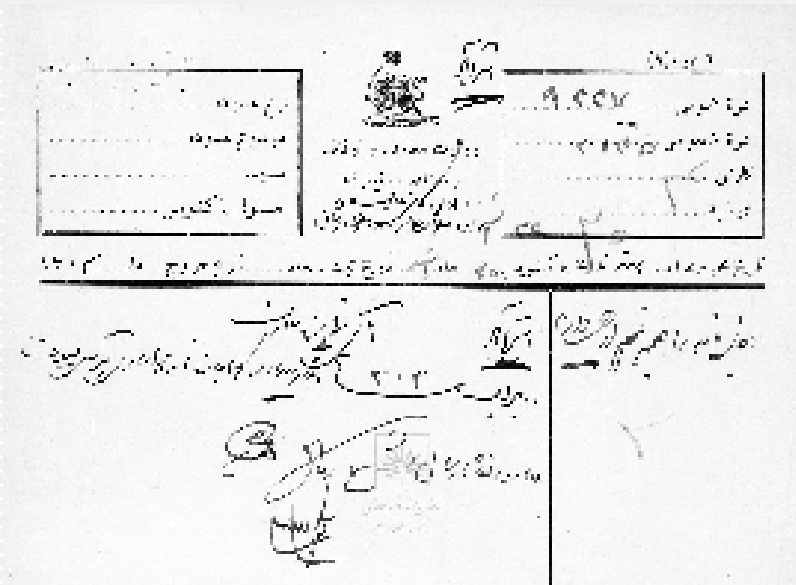
در تعقیب تلگراف نمره ۲۹ که بحضور عرض کرده‌ام، محض استحضار خاطر محترم بعرض میرساند تقریباً در یک ماه قبل آقای رئیس معارف دوا فروشان را احضار فرموده، در حضور دو نفر طبیب محمدخان و آقا سیدکاظم نام بصورت ظاهر یک امتحان شفاهی ... بعمل آورده و درخواست اجازه‌نامه رسمی دواسازی بجهت دو نفر از آن‌مقام محترم نموده‌اند، بدون اطلاع این بنده، در صورتیکه شش ۶ سال است مأمور و طبیب صحیح استرآباد میباشم و یقین دارم دوا فروشان استرآباد و این دو نفر طبیب معلوماتی از حیث شیمی و فیزیک مقدماتی و دواسازی را بهیچوجه ندارند و چون مقصود از دادن تصدیق و اجازه‌نامه رسمی دولت برای اینست که بتدریج اشخاص بی‌علم را محدود و مردم بدانند که بعد از این تحصیل در مدارس باید بشود، از این نقطه نظر شرحی بحکومت وقت عرض کرده، استدعای تجدید امتحان را نمودم که صحت عمل معلوم و بدون استحقاق نایل باخذ اجازه‌نامه دواسازی نشوند. آقای رئیس معارف جواباً میفرمایند که من امتحانی در حضور دو نفر طبیب، (یا چیزی بدانند یا نمیدانند) چون فقط اجازه‌نامه دارند، امتحان بعمل آورده‌ام، دیگر تجدید نمیکنم. در صورتیکه رأی مبارک باشد، مستدعی چنانم امر به تجدید امتحان بفرمائید در حضور بنده و چند نفر طبیب نظامی و غیره دو نفر طبیبی که امتحان کرده‌اند، همان سئوالات را کتباً تجدید کنند، تا معلوم شود آقایان اطباء چه سؤالی کرده‌اند و دوا فروشان چه جوابی داده‌اند. اگر سؤال و جواب ایشان در نظر این هیئت اطباء صحیح بود، که از روی استحقاق بعمل آمده است و الا عرایض بنده صدق و اشخاص نالایق موفق به اخذ اجازه‌نامه رسمی دولت نشوند. امر امر مبارک است.

رئیس صحیح و نماینده فواید عامه استرآباد

دکتر نادر میرزا شاهرخشاهی

[امضاء]

(ضبط شود)



سند شماره‌ی شش (۶)

نمونه [۹] استرآباد

نوع مسوده	[نشان شیروخورشید]	نمره عمومی ۹۳۳۷
موضوع مسوده	وزارت معارف و اوقاف	نمره خصوصی ۲۱۲۵
ضمیمه	و صنایع مستظرفه	کارتن ۴
مسئول پاکنویس	اداره کل معارف	دوسیه ۴۰

دایره تعلیمات عامه شعبه دوا فروشان

تاریخ تحریر ۱۸ ماه / سفند تاریخ پاکنویس ۲۵ ماه / سفند تاریخ ثبت ... ماه ... تاریخ خروج ... ماه ۱۳۰۴

استرآباد	[حاشیه:]
آقای نماینده معارف	اجازه نامه را ضمیمه نموده ارسال
در جواب نمره ۳۹۳ اشعار میدارد که اجازه نامه دواسازی پترس یسیفوف صادر و لفاً ارسال شده است.	دارید.
[محل امضاء رئیس دایره تعلیمات: «... (ناخوانا) ...]	
[محل امضاء رئیس معارف: «... (ناخوانا) ...]	
[محل امضاء وزیر معارف: «... (ناخوانا) ...]	

پی‌نوشت:

- ۱- روستایی، محسن. (۱۳۸۲). تاریخ طب و طبابت در ایران (جلد اول). تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. ص ۱۸۳.
- ۲- همان. صص ۱۹۴-۱۹۵.
- ۳- رجایی، رحمت‌الله (۱۴۰۰). پزشکی در سرزمین گرگان (استان گلستان). (کتاب اول). گرگان: پیک ریحان. ص ۲۴۱.
- ۴- همان. ص ۲۴۳.
- ۵- در اسناد شماره ۱ و ۲ تاریخ مندرج در مهر معارف و اوقاف استرآباد را می‌توان ۱۳۳۵ و ۱۳۳۸ خواند، با توجه به این‌که این تاریخ براساس تقویم هجری قمری است، بنابراین معارف و اوقاف استرآباد، یا به عبارت دیگر نخستین مدرسه‌ی نوین استرآباد در مهرماه سال ۱۲۹۶ یا ۱۲۹۸ش تأسیس شده است.
- ۶- این واژه را هم می‌توان «محلّات» خواند و هم «قسمت» (!)
- ۷- در درست خواندن این نام شک است.